

پرسه

مدیریت انرژی و بنزین و سیر آن -۱



● **شرق: «محمد اقایبی» معاون وزیر نفت در امور پخش و پالایش در دوران «بیژن زنگنه» در سلسله مقالاتی که از امروز در همین ستون درج می‌شود به سابقه مصوبات و اقدامات دولت و مجلس**

در خصوص بنزین می‌پردازد. اهمیت موضوع وقتی بر جسته می‌شود که هنوز بنزین پس از سال‌ها تجربه‌اندوژی و سیاستگذاری، یکی از مهم‌ترین مسایل کشور است. بازخوانی تجربه‌به‌دست آمده، بر فایده است.

در این روزها و در دورانی که در آن به سر می‌بریم، گردوغبارهای فراوانی روی بعضی از حقایق واقعیت‌ها، بازاریه نظرات و مواضع صاحب‌ و امراه و بزرگمایبی‌های غیرواقعی توسط دولت حاضر که کمتر از یکماه به پایان آن مانده است و تبلیغات مرتبطان به آن، ایجاد می‌نود تا آنها یا دیده نشوند یا تحت گردوغبار نمود دیگری از آنها به نمایش گذاشته شود. یکی از این عرصه‌ها بحث مدیریت انرژی و حقایق و واقعیت‌های کنونی و گذشته بر آن حداقل در یک‌دهه گذشته در کشور است که آن را در محوری:

۱- قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی و بنزین و مدیریت بهینه‌مصرف

۲- ساخت و توسعه و اصلاحات پالایشگاهی

۳- سهم‌بندی بنزین

۴- هدف‌بندی یارانه‌ها

بارشناسی و ارزیابی می‌کنیم. در این ارزیابی ضروری است به هر دو زمینه قانونمندی‌ها و قوانین و سیر آن و نیز نتایج اجرایی این قانونمندی‌ها و قوانین مرتب پرداخته شود. در ابتدا لازم است اشاره شود که وضع مدیریت مصرف و شدت انرژی در کشور ما به‌ویژه در مورد چهار حامل انرژی بنزین، گازوئیل، گاز و برق از نمونه‌های نادر بین جوامع بشری بوده و بسیار بی‌رویه است و اگر در این نوشتار به بحث بنزین بیشتر پرداخته می‌شود، به‌دلیل حساسیت‌های بیش از حد و مطرح‌شده و ویژه در مورد آن است و اگر نه که به عمق مطلب نگرسته شود وضع مصرف در بقیه حامل‌های فوق‌الذکر اگر نگران‌کننده‌تر از بنزین نباشد که هست، حداقل کمتر از بنزین نیست

۱- **قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی و بنزین و مدیریت بهینه مصرف**

در مورد سیر قوانین مرتب‌ب یا این امر شایسته است به دو سابقه مهم این موضوع در متن بیش از یک‌دهه گذشته ببرازیم. سابقه اول به سال‌های پایانی برنامه دوم توسعه یعنی سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ برمی‌گردد. در آن سال‌ها حدود یک‌سهال‌ونیم و به‌صورت کار کارشناسی گسترده در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و با کمک کارشناسی دستگاه‌های ذی‌ربط، روی تنظیم لایحه برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹) و ایجاد مختلف آن و به‌ویژه روی بحث مدیریت انرژی و مصرف و قیمت‌گذاری آن بررسی و کار کارشناسی شد و براساس: ۱- ارزیابی وضع تولید و مصرف و واردات و صادرات فرآورده‌ها.

۲- پیش‌بینی‌های نگران‌کننده آینده در مورد مدیریت انرژی به‌ویژه در مورد استمرار مصرف بی‌رویه

۳- تکیه به نتایج حاصل از تبصره (۱۹) قانون برنامه دوم توسعه که نشان می‌داد ناییده گرفتن بحث قیمت و مدیریت مصرف حمل‌های انرژی و تأثیرات متقابل این دو روی مصرف باعث می‌شود که مصرفی خارج از برنامه، از شاخص‌های برنامه بیشتر شده و فاصله بگیرد.

۴- وضعیت بسیار نگران‌کننده و غیرعادلانه توزیع یارانه‌های انرژی و بنزین در کشور.

در لایحه پیشنهادی برنامه سوم توسعه به مجلس شورای اسلامی در مورد بنزین و دیگر فرآورده‌های اصلی دو محور اساسی مدنظر قرار گرفته بود.

۱- هدفمندکردن یارانه‌ها و مدیریت مصرف بهینه بنزین و دیگر فرآورده‌ها.

۲- ساخت و توسعه پالایشگاهی به‌وسيله بخش خصوصی، در محور اول که در متن ماده ۵ لایحه پیشنهادی مصوب دولت وقت متنبور شده بود بحث هدفمندکردن یارانه‌ها با این صورت‌بندی سامان داده شده بود که به‌تدریج به نسبت مساوی

هرساله در طول برنامه قیمت‌ها تعدیل شود به‌طوری‌که در پایان برنامه، هیچ‌گونه یارانه‌ای به فرآورده‌ها و بنزین تعلق نگیرد و به‌تدریج و هم‌زمان، وضع حمل‌ونقل عمومی اصلاح شده و گسترش یابد، ماشین‌های فرسوده از رده خارج شوند، استاندارد و کیفیت خودروهای تولید داخلی بهبود یابد تا

مصرف آنها کاهش یافته و از آلودگی و باکهند و براین اساس در لایحه پیشنهادی به‌عنوان نمونه رشد حداکثر ۵/۸درصد سالانه برای بنزین در نظر گرفته شده بود. سرنوشت این ماده بسیار مهم در متن لایحه پیشنهادی در ماه‌های پایانی مجلس سرنوشت نگران‌کننده‌ای بود چرا که از اسال ماده ۵ لایحه حذف شد و جایگزین آن ماده ۵ قانون برنامه سوم توسعه قرار گرفت که مقرر می‌کرد سالانه حداکثر ۱۰درصد به قیمت فرآورده‌ها و بنزین اضافه شود، میزان افزایشی که از همان ابتدا قابل پیش‌بینی بود که در صد رشد تورم سالانه کمتر است و به تعبیری قیمت‌ها را در ماهیت امر کاهش می‌دهد.

در محور دوم بنا تأکید بر خصوصی‌سازی و توسعه بخش خصوصی در صنایع پایین‌دستی نفت و پالایشگاه‌ها، در لایحه برنامه سوم توسعه، ساخت و توسعه پالایشگاه‌ها صرفا توسط بخش خصوصی دیده شده بود و چون ساخت و توسعه هر پالایشگاه جدید، حدودا چهار ای پنجسال طول می‌کشد، چنین در نظر گرفته شده بود که با توجه به غیرایرانه‌ای‌شدن فرآورده‌ها و بنزین در پایان برنامه سوم، پالایشگاهی که از طرف زمانی برنامه سوم ساخت آن به پایان می‌رسد محصولات خود را بدون یارانه خواهد فروخت و این یکی از عوامل مهم انگیزهمندکردن ساخت پالایشگاه توسط بخش خصوصی در لایحه به حساب آمده بود.

ادامه دارد

نویسد یکتا: تولید در کشور وضع و حالتی مناسب ندارد. واحدهای تولیدی این روزها با انواع و اقسام مشکلات روبرو هستند. از کمبود نقدینگی گرفته تا کمبود مواد خام و هزینه‌های افزایش‌یافته تولید. این وضعیت بحرانی سبب شد که دولت در آخرین هفته‌های حضورش تصمیم به اختصاص مبلغی برای کمک به صنایع بگیرد. این در حالی است که سهم تخصیص‌یافته صنایع و بخش تولیدی کشور از درآمد هدفمندی قرار بود ۳۰درصد باشد که تنها سده‌مرد آن اختصاص یافت.

این در حالی است که به گفته رییس صندوق توسعه ملی کشور مبلغ ۹هزارمیلیاردتومان منابع به پروژه‌هایی از بخش صنعت و کشاورزی اختصاص داده شده است که کارآفرینی و بهره‌وری مناسبی برای کشور نداشته است.

«محمدرضا فرزین» در مراسم بزرگداشت روز ملی صنعت و معدن با اشاره به قراردادهای ریالی صندوق توسعه افزود: این صندوق با ۹ بانک قرارداد عملیست ریالی دارد و در مجموع شش‌هزارو ۱۰۰میلیاردتومان به پروژه‌های صنعت و معدن و کشاورزی اختصاص داده شده که انتظار می‌رود ۹۰هزار فرصت شغلی در کشور ایجاد کند.

وی یادآور شد ۵۸درصد منابع ریالی صندوق به سرمایه در گردش واحدها اختصاص داده شده و تا پایان سال بخش عمده نیازها تأمین می‌شود.

صحبت‌های رییس صندوق توسعه ملی هر چند مبهم بود و مشخص نکرده بود این منابع چطور و با چه سازوکاری قرار است به واحدهای صنعتی و کشاورزی تزریق شود و سهم صنایع از این مبلغ چه مقدار است اما کسروی امیدی را در دل صنعتگران روشن کرده است. با توجه به تغییر مدیران در مردامه اسمال و حذف بروکراسی و کاغذبازی موجود در کشور که به ترمزی برای فعالان صنعت بدل شده است و تغییر نگاه مدیران و بانک‌ها به سرمایه‌گذاران که عمده آنها را به چشم افرادی که قرار است از منابع سوءاستفاده کنند، پیش‌بینی می‌شود که وضعیت صنایع رو به بهبودی نبود. اما در حال حاضر وضعیت صنایع برای وزیر آینده بحرانی است به طوری که روح‌الله بیگی، نایبرئیس کمیسیون اقتصادی مجلس خیر از تعطیلی ۷۰درصدی کارخفجات کشور

می‌دهد. تعطیلی این کارخفجات دلایل متعددی دارد که مهم‌ترین آنها به‌روزنبودن تکنولوژی واحدهای تولیدی، کمبود قطعات یدکی، کاهش خریدار و ازدست‌رفتن بازار صادراتی کشور‌های همسایه و عدم داشتن سرمایه در گردش است.

اگر هدف صندوق توسعه ملی ایجاد صنایع جدید و کارخفجات مدرن با تکنولوژی روز دنیا باشد، این مهم با توجه به وضعیت سیاسی موجود و اعمال تحریم‌های بین‌المللی ناممکن به نظر می‌رسد یا حداقل به بازه زمانی طولانی نیاز است که این امر ممکن شود.

دیگر آنکه راهاندازی مجدد صنایع و کارخفجات قدیمی

که یا به علت نبود قطعات یدکی تعطیل شده‌ان یا ظرفیت

تولید آنها پایین آمده است یا اینکه به علت عدم برخورداری

از تکنولوژی روز دنیا دیگر راهاندازی آنها اقتصادی نیست و

در آخر، راهاندازی کارخفجاتی که به علت وضعیت اقتصادی

پیش‌آمده و موج تحریم‌ها به علت بدهی معوقه و نداشتن

سرمایه در گردش به مدت سه‌الی چهارسال است که تعطیل

شده‌اند اکثر این واحدها دارای بدهی به بانک هستند و در

این مدت میزان این بدهی، سال به سال افزایش پیدا کرده

و علاوه بر سود، جریمه دیرکرد هم به این مبلغ اضافه شد.

است. به‌طور مثال یک واحد تولیدی که در سال ۸۷ دارای

بدهی یکمیلیارد و ۲۰۰میلیون تومانی به بانک بوده است و در

دادن جوانان به مشاغل مورد نیاز کشور و مسایلی از این دست

را پی‌موند.

تکرار اشتباهات گذشته

محمود احمدی‌نژاد اعلام کرده بود تا پایان دولت دهم

بیکاری در کشور گفت: اینکه کشور با ۲۴ درصدی مواجه

است، در سال‌های آینده اگر اقدام قوی نشود، مشکل بیکاری

بیشتر و بیشتر خواهد شد. ما جوان‌های تحصیلکرده را پس

از دوره متوسطه به دانشگاه فرستادیم و هم‌کنون بیش از

چهارمیلیون دانشجو داریم. رئیس‌جمهور منتخب تأکید

کرد: طبق محاسبات در چهارسال آینده رقمی بین چهار

تا پنج‌میلیون جوان فارغ‌التحصیل دانشگاهی بیکار خواهیم

داشت. اگر روند اینچنین باشد رقم آینده‌ای که در طول

هشت‌سال گذشته مشغول کار شده‌اند بسیار بسیار اندک است.

روحانی به آمار ارایه‌شده از سوی مرکز آمار اشاره کرد و

گفت: از سال ۸۵ تا ۹۰ رقم شاغلان، سالانه ۱۴هزار نفر بوده

است. این آمار اشتغال سال‌های اخیر کشور ماست. همین

ارقام، به‌اختصار کافی است که شرایط کشور ما را نشان دهد.

تمرکز دولت یازدهم در مساله اشتغال

دولت‌های نهم و دهم نیز نتوانستند با وجود ادعاهای

فراوانی که در این زمینه داشته‌اند، بهتر از دولت‌های قبل‌تر از

خود عمل کنند و در نتیجه همان راه گذشته در اشتغال‌زایی

یعنی تکیه صرف بر پرداخت تسهیلات بانکی و بی‌اهمیت

جلوه دادن یا ناییده گرفتن سایر پیش‌نیازها مانند لزوم

مهارت‌آموزی نیروی کار، اهمیت هماهنگی کردن دانشگاه‌ها

با نیازهای روز بازار کار، حذف رشته‌های اشباع‌شده و سوق

اقتصاد

تحویل زمینی پر از سنگلاخ

صنایع «خسته» به دولت بعد می‌رسند



عکس:

مجید قنبروندی

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

شهرک‌های صنعتی تبدیل به گورستان سوله شده است و اکثر واحدهای تولیدی بیش از ۵۰درصد پیشرفت فیزیکی نداشته‌اند و به دلیل عدم تخصیص اعتبار و تأمین بودجه مناسب رها شده‌اند. وی بهترین راهکار برای نظارت و مدیریت بودجه‌های اختصاص‌یاده‌شده به کارخفجات را استانی کردن این بودجه‌ها و دادن اختیارات بیشتر به استانداران و مدیران صنایع مراکز استان‌ها دانست. وی همچنین تجدیدنظر در صدور موافقت‌اصولی‌های صادرشده توسط کارشناسان صنایع در راستا به اولویت‌های اول کشور در شرایط تحریمی حاضر و تغییر کاربری واحدهایی که هنوز به صدرصد پیشرفت فیزیکی نرسیده‌اند را کمک دیگر دولت به صنایع دانست.

از سوی دیگر رضا ویسه، آخرین رییس سازمان گسترش

و نوسازی صنایع ایران در دولت اصلاحات با انتقاد شدید از

وضعیت به‌وجودآمده برای صنعت کشور گفت: دیگر رمقی

برای سازمان گسترش نمانده و سازمان گسترش حالا شده

یک سازمان بی‌پای و دم که هیچ ماموریت مشخصی ندارد.

وی با بیان اینکه طی سال‌های ۸۰ تا ۸۳ با وجود پایین‌تربودن

از درآمد ارزی دولت اصلاحات نسبت به دولت فعلی، رشد

صنعتی کشور به بیش از ۱۰درصد رسید اما اکنون به عل

مختلف که مهم‌ترین آنها اول نبود استراتژی توسعه صنعت

کشور؛ دوم دخالت دولت در سرمایه‌گذاری‌ها؛ سوم وجود

انحصار از طریق دولت در صنایع بزرگ و پیش‌برنده؛ چهارم

نامساعدبودن فضای کسب‌وکار در مقایسه با کشورهای

توسعه‌یافته یا تازه‌توسعه یافته؛ پنجم، محدودیت بازار به

دلیل تحریم از یک طرف و حضور رقبای چینی در کشور با

شرایط کاملاً نابرابر؛ ششم، نبود تکنولوژی نوین و به‌روز و

عدم دستیابی سریع به آنها به دلیل وجود تحریم؛ هفتم، نبود

منابع مالی برای توسعه صنایع بزرگ و پیش‌برنده؛ هشتم،

محدودیت خدمات بانکی به خصوص صادرات صنایع ایران در

وضعیت بحرانی به سر می‌رد. به نظر می‌رسد اولویت اول وزیر

آینده صنایع و معدن ایجاد اشتغال با راهکارهای کوتاهمدت

باشد که برای رسیدن به این هدف راهاندازی واحدهای تولیدی

و استفاده واحدهای تولیدی نظارت کافی را داشته باشد.

در دولت قبل برای مدیران مهم مراسم کلنگ‌زنی و شروع

احداث واحدهای صنعتی بود که نتیجه این شده است که

صنایع کشور به بیش از ۱۰درصد رسید اما اکنون به عل

مختلف که مهم‌ترین آنها اول نبود استراتژی توسعه صنعت

کشور؛ دوم دخالت دولت در سرمایه‌گذاری‌ها؛ سوم وجود

انحصار از طریق دولت در صنایع بزرگ و پیش‌برنده؛ چهارم

نامساعدبودن فضای کسب‌وکار در مقایسه با کشورهای

توسعه‌یافته یا تازه‌توسعه یافته؛ پنجم، محدودیت بازار به

دلیل تحریم از یک طرف و حضور رقبای چینی در کشور با

شرایط کاملاً نابرابر؛ ششم، نبود تکنولوژی نوین و به‌روز و

عدم دستیابی سریع به آنها به دلیل وجود تحریم؛ هفتم، نبود

منابع مالی برای توسعه صنایع بزرگ و پیش‌برنده؛ هشتم،

محدودیت خدمات بانکی به خصوص صادرات صنایع ایران در

وضعیت بحرانی به سر می‌رد. به نظر می‌رسد اولویت اول وزیر

آینده صنایع و معدن ایجاد اشتغال با راهکارهای کوتاهمدت

باشد که برای رسیدن به این هدف راهاندازی واحدهای تولیدی

و استفاده واحدهای تولیدی نظارت کافی را داشته باشد.

در دولت قبل برای مدیران مهم مراسم کلنگ‌زنی و شروع

احداث واحدهای صنعتی بود که نتیجه این شده است که

صنایع کشور به بیش از ۱۰درصد رسید اما اکنون به عل

مختلف که مهم‌ترین آنها اول نبود استراتژی توسعه صنعت

کشور؛ دوم دخالت دولت در سرمایه‌گذاری‌ها؛ سوم وجود

انحصار از طریق دولت در صنایع بزرگ و پیش‌برنده؛ چهارم

نامساعدبودن فضای کسب‌وکار در مقایسه با کشورهای

توسعه‌یافته یا تازه‌توسعه یافته؛ پنجم، محدودیت بازار به

دلیل تحریم از یک طرف و حضور رقبای چینی در کشور با

شرایط کاملاً نابرابر؛ ششم، نبود تکنولوژی نوین و به‌روز و

عدم دستیابی سریع به آنها به دلیل وجود تحریم؛ هفتم، نبود

منابع مالی برای توسعه صنایع بزرگ و پیش‌برنده؛ هشتم،

محدودیت خدمات بانکی به خصوص صادرات صنایع ایران در

وضعیت بحرانی به سر می‌رد. به نظر می‌رسد اولویت اول وزیر

آینده صنایع و معدن ایجاد اشتغال با راهکارهای کوتاهمدت

باشد که برای رسیدن به این هدف راهاندازی واحدهای تولیدی

و استفاده واحدهای تولیدی نظارت کافی را داشته باشد.

در دولت قبل برای مدیران مهم مراسم کلنگ‌زنی و شروع

احداث واحدهای صنعتی بود که نتیجه این شده است که

صنایع کشور به بیش از ۱۰درصد رسید اما اکنون به عل

مختلف که مهم‌ترین آنها اول نبود استراتژی توسعه صنعت

کشور؛ دوم دخالت دولت در سرمایه‌گذاری‌ها؛ سوم وجود

انحصار از طریق دولت در صنایع بزرگ و پیش‌برنده؛ چهارم

نامساعدبودن فضای کسب‌وکار در مقایسه با کشورهای

توسعه‌یافته یا تازه‌توسعه یافته؛ پنجم، محدودیت بازار به

دلیل تحریم از یک طرف و حضور رقبای چینی در کشور با

شرایط کاملاً نابرابر؛ ششم، نبود تکنولوژی نوین و به‌روز و

عدم دستیابی سریع به آنها به دلیل وجود تحریم؛ هفتم، نبود

منابع مالی برای توسعه صنایع بزرگ و پیش‌برنده؛ هشتم،

محدودیت خدمات بانکی به خصوص صادرات صنایع ایران در

وضعیت بحرانی به سر می‌رد. به نظر می‌رسد اولویت اول وزیر

آینده صنایع و معدن ایجاد اشتغال با راهکارهای کوتاهمدت

باشد که برای رسیدن به این هدف راهاندازی واحدهای تولیدی

و استفاده واحدهای تولیدی نظارت کافی را داشته باشد.

در دولت قبل برای مدیران مهم مراسم کلنگ‌زنی و شروع